





Legal Mechanisms for Addressing Child Pornography in Cyberspace

Mansoor Fasihramandi , Faculty Member of the Research Institute of Culture, Art and Communication (Corresponding Author), Email: fasih@ricac.ac.ir

Roghayeh Mehri , Master of Fiqh and Basics of Islamic, Email: rmehri110@gmail.com

Abstract

Introduction: The emergence of cyberspace as one of the defining features of the modern era has transformed the world, creating a networked society that is deeply integrated into global life. While cyberspace itself is not inherently negative, its misuse can profoundly impact individual and societal relationships, thoughts, and behaviors. In many countries, cyberspace has become an essential part of daily life and a vital tool for various activities. However, the unique nature of the internet—its privacy, lack of oversight, and ease of access—has facilitated the spread of immoral and pornographic content, particularly in the Western world. Over the past few decades, the normalization of sexual topics and the proliferation of media tools, especially the internet, have contributed to the growth of the pornography industry.

One of the most alarming aspects of internet pornography is the depiction and distribution of child pornography, a severe form of child sexual abuse. Child pornography represents a significant online threat to children, often involving the exploitation of minors through grooming, trafficking, cyber prostitution, or the production of sexual content. The pornography industry in Western countries has created an environment in cyberspace that not only facilitates sexual deviance among users but also enables the commission of sexual crimes against children globally.

Given the profound impact of this technology on public morality, addressing the ethical and legal dimensions of child pornography is of paramount importance. This study seeks to answer the question: What legal and ethical mechanisms exist to combat virtual child pornography? By examining the necessary ethical and legal frameworks, this research aims to provide a foundation for addressing the challenges posed by this issue more effectively.

Method: The research employs an integrated strategy, utilizing methods appropriate to each topic. Two primary methods were used: library studies and content analysis of laws. Data was collected through the review and analysis of books, articles, and legal sources, with a focus on existing laws criminalizing pornography.

Conclusion: The study highlights that, despite the 2020 Law on the Protection of Children and Adolescents in Iran, which aims to safeguard minors from sexual crimes such as pornography, the legislation has been largely ineffective in prevention and enforcement. The law lacks specific protective policies addressing child pornography and fails to consider the profound and lasting impacts of such crimes on victims. While the Islamic Penal Code prescribes punishments for certain sex-

ual acts, it does not adequately address the unique vulnerabilities of children or the irreversible harm caused by the production and distribution of pornographic content.

The legislative approach to protecting children's rights in cases of pornography is insufficient, particularly in light of the rapid advancement of technology. Legal protections have not kept pace with technological developments, leading to gaps in the safeguarding of public morality and chastity. This disconnect between technological capabilities and legal frameworks has resulted in inefficiencies and contradictions in addressing child pornography.

In conclusion, the current legal structures for combating child pornography in cyberspace are inadequate. There is an urgent need for comprehensive legal reforms, enhanced preventive measures, and a stronger focus on the ethical implications of this issue. Effective solutions must address both the technological and cultural dimensions of the problem to ensure the protection of children and the preservation of public morality.

Keywords: Child, cyberspace, pornography, sexual crimes.





سازوکارهای حقوقی در مواجهه با پورنوگرافی کودکان در فضای مجازی

منصوره فصیح رامندی^۱، رقیه مهری^۲

چکیده

با وجود اینکه فضای مجازی به یکی از شیوه‌های اصلی در ارتباطات روزمره برای مردم تبدیل شده است؛ اما به جهت ویژگی‌های خاص این فضا، حقوق جزای سنتی دستخوش تحولات بنیادی شده است. چراکه تعریف از جرائم در محیط‌های مجازی انطباق چندانی با تعریف‌های کلاسیک نداشته و در بسیاری از موارد متفاوت است. هدف پژوهش شناخت سازوکارهای حقوقی ایران در مواجهه با پورنوگرافی کودکان در فضای مجازی است. روش پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا است. نتایج تحقیق نشان داد: پورنوگرافی یکی از این جرائم در حوزه تهدیدات فضای مجازی به‌ویژه برای کودکان محسوب می‌شود. مقصود از پورنوگرافی کودک «استثمار جنسی هر شخص زیر ۱۸ سال با هر نوع روشی اعم از پدیداری کودک واقعی یا شبه‌کودک در قالب فعالیت جنسی خواه مشترک با دیگری یا به‌تنهایی و یا با استفاده از اندام جنسی وی در هر نوع اثری با قصد تحریک جنسی» است. جامعه بین‌الملل در زمینه مبارزه با این پدیده اقداماتی را اتخاذ کرده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد درباره فروش فحشاء و هرزه‌نگاری کودک اشاره داشت. به‌رغم الحاق جمهوری اسلامی ایران به این پروتکل و تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹، سیاست‌های کیفری در نظر گرفته‌شده در قبال این جرم از ضمانت‌های کافی برخوردار نیست. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای قوانین مذکور، درصدد پاسخ به این پرسش است که رویکرد نظام حقوقی ایران در جهت تضمین حقوق کودکان نسبت به سوءاستفاده جنسی از آنان و یا تحریک به رفتارهای جنسی از طریق این جرم چیست؟ بر اساس یافته‌های پژوهش به‌رغم حساس بودن جایگاه و ویژگی‌های کودک، مجازات در نظر گرفته‌شده برای این جرم در قانون مذکور، از بازدارندگی لازم برخوردار نیست.

واژگان کلیدی

کودک، فضای مجازی، پورنوگرافی، هرزه‌نگاری، جرائم جنسی، حقوق جزا.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (نویسنده مسئول).

۲. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی.

fasih@ricac.ac.ir

rmehri110@gmail.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های عصر نوین، ظهور فضای مجازی است که دنیای مدرن را از دنیای سنتی جدا نموده و بشر را با یک تجربه جدید روبرو ساخته است. فضای مجازی نماد جامعه شبکه‌ای است که در سطحی گسترده در جامعه جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگرچه استفاده از فضای مجازی فی‌نفسه دارای آثار منفی نخواهد بود، اما پیامدهای آن می‌تواند بر روابط بین افراد و جامعه و افکار و رفتار آن‌ها تأثیرگذار باشد. امروزه در بسیاری از کشورها استفاده از فضای مجازی به‌عنوان یک بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی روزانه مردم و ابزاری حیاتی برای فعالیت‌های مختلف به حساب می‌آید. ماهیت منحصر به فرد اینترنت، نوع استفاده در خلوت و همچنین فقدان نظارت بر آن، آثار و عواقب قابل تأملی همچون سهولت دسترسی به محتوای غیراخلاقی و مستهجن و شیوع گسترده صنعت هرزه‌نگاری اینترنتی در جهان غرب را در پی داشته است. چنانکه در چند دهه اخیر، با گسترش فرهنگی که موضوعات جنسی را تابو نمی‌داند، صنعتی بر حول تولید و مصرف محتوای پورنوگرافی ایجاد شده است. گسترش رسانه‌ها در قالب ابزارهای مختلف به‌ویژه در بستر اینترنت و در قالب فضای مجازی نیز در شکوفایی این صنعت نقش مهمی داشته است.

یکی از مهم‌ترین وجوه هرزه‌نگاری اینترنتی توصیف و ترسیم و به نمایش گذاشتن هرزه‌نگارانه کودکان است که یکی از گونه‌های زشت سوءاستفاده جنسی از کودکان به شمار می‌رود. هرزه‌نگاری یا پورنوگرافی یکی از مسائل در حوزه تهدیدات آنلاین برای کودکان محسوب می‌شود. در واقع این اصطلاح برای نشان دادن مشکلات کودکانی است که از امکانات آنلاین برای صحبت با آن‌ها، معمولاً باهدف نهایی ملاقات با آن‌ها به‌منظور ارتکاب جنایت تجاوز استفاده می‌شود؛ چنانکه از این روش به‌صورت مرتب برای جذب افراد زیر سن قانونی در مشاغل مختلف غیرقانونی همچون قاچاق کودک، روسپی‌گری سایبری یا تولید محتوای جنسی در فضای مجازی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

با این وصف صنعت پورنوگرافی کشورهای غربی در فضای مجازی به جوی دامن زده است که همسو با قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاص خود، نوعی ناهنجاری جنسی را در میان بخشی از کاربران خود تسهیل و تشدید نموده است و از سوی دیگر زمینه وقوع جرم و بزه جنسی را نسبت به کودکان را در دیگر کشورها محقق نموده است. از همین رو و به دلیل اینکه این فناوری موجب پدیدآمدن عمیق‌ترین تغییرات در عرصه اخلاق عمومی جامعه بوده است، طرح مسائل اخلاقی در کنار مسائل حقوقی مرتبط با این

ناهنجاری از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ بنابراین با این پرسش روبرو خواهیم بود که حقوق و اخلاق از چه تضمینات و تمهیداتی در برخورد با پورنوگرافی مجازی نسبت به کودکان، برخوردارند؟ به همین جهت تبیین ساختار اخلاقی و حقوقی لازم در جهت پیشگیری و مقابله با ناهنجاری پورنوگرافی مجازی کودکان زمینه را در برخورد مناسب‌تر با چالش‌های پیش‌رو در این فضا، تسهیل خواهد نمود. به همین دلیل همکاری دولت با سایر نهادها در این موضوع، امری ضروری است؛ بنابراین، مطالعه این پژوهش باهدف واکاوی ملاحظات اخلاقی و حقوقی در مقابله و جرم‌انگاری پورنوگرافی کودکان در فضای مجازی انجام شده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در رویکردهای کلی به موضوع پورنوگرافی و یا هرزه‌نگاری به رشته تحریر در آمده است. به‌عنوان مثال نتایج پژوهش‌های و قهرمانی با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی هرزه‌نگاری در فضای مجازی، ۱۳۸۸» حکایت از این دارد که قانون جرائم رایانه‌ای در قیاس با قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند از بازدارندگی لازم برخوردار نیست. حبیب‌زاده و رحمانیان در پژوهش خود با عنوان «هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران، ۱۳۹۰» به این نتیجه دست یافتند که به‌رغم داعیه جرم‌انگاری کامل در این خصوص، قانون‌گذار آن‌چنان‌که باید و شاید در این خصوص موفق نبوده و هنوز موارد زیادی وجود دارد که مرتکبان آن‌ها قابل مجازات نیستند. همچنین بر مبنای تحقیق غفاری و همکاران با عنوان «هرزه‌نگاری رایانه‌ای از علت‌شناسی تا پیشگیری ۱۳۹۷» بر علل درونی (عوامل روانی) و علل اجتماعی و مسائل مرتبط با سبک زندگی در گرایش افراد به سمت بزهکاری تأکید شده است. نتایج پژوهش حسینی و همکاران با عنوان «بررسی تطبیقی هرزه‌نگاری در حقوق ایران و آمریکا ۱۳۹۸» بیانگر این نکته است که وجود قوانین جزایی مختلف بیانگر عدم انسجام سیاست جنایی ایران در برخورد با پورنوگرافی است. همچنین بر مبنای نتایج مقاله جواهری و همکاران «هرزه‌نگاری سایبری از الگوهای نظری تا واکنش کیفری، ۱۳۹۹» برای مقابله با هرزه‌نگاری سایبری لازم است تا کشورها به اقدام هماهنگ در زمینه وضع قوانین، دست زنند. این مقاله بر موضوع «هرزه‌نگاری کودکان» تمرکز کرده و با تأکید بر جایگاه کودک، به بررسی ضمانت‌های کیفری موجود در نظام حقوقی ایران، جهت صیانت از این قشر آسیب‌پذیر پرداخته است.

روش پژوهش

استراتژی پژوهش در این مقاله یک راهبرد تلفیقی است و بسته به هر یک از مباحث مقاله سعی شده است از روش تحقیق متناسب با موضوع آن بهره‌برداری شود. برای تمرکز و انسجام‌بخشی بیشتر، تلاش شد از دو روش عمده «مطالعات کتابخانه» و «تحلیل محتوای قوانین» استفاده شود. منبع اصلی مطالعه، قوانین موجود در زمینه جرم‌انگاری پورنوگرافی است. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت «فیش‌برداری»، بررسی و مطالعه کتاب، مقاله و منابع موجود در موضوع مقاله است.

چارچوب مفهومی

در آغاز هر نوشتار واکاوی مبانی نظری موضوع و تشریح مفاهیم بنیادی آن، لازم و ضروری است. ضرورت این مسئله از آن جهت است که معنای دقیق علمی این واژگان، اول برای خود پژوهشگر مشخص گردد و موجب تمرکز مطالعاتی او شده و دوم خواننده نیز درمی‌یابد که پژوهشگر از میان چند معنای متصور از یک واژه چه معنایی را مفروض دانسته است.

تعریف کودک

کودک در علوم مختلف انسانی تعاریف متعددی دارد، عدم انطباق این تعاریف با یکدیگر و تأثیر آن در مقوله‌ی کاربردی علم حقوق آنجا که به حمایت از او برمی‌خیزیم ایجاب می‌نماید که محدوده‌ی کودکی را مطابق با واقعیات تبیین نمود. تاکنون نظریه‌های مختلفی درباره‌ی اینکه چه شاخص‌هایی در تعریف مفهوم کودک از اهمیت برخوردار است ارائه شده است. یک دیدگاه این است که کودکان خیلی شبیه به بزرگسالان به دنیا پاسخ می‌دهند و تفاوت بین بالغ و نابالغ صرفاً به مقدار یا کیفیت پیچیدگی مربوط می‌شود. مطابق با دیدگاه دوم کودکان روش‌های منحصربه‌فردی در فکر کردن، احساس کردن و رفتار کردن دارند که کاملاً با روش‌های بزرگسالان متفاوت است (Arsenio and Lemerise, 2010: 111).

در تعریف کودک و تعیین حدود و ثغور آن، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد، برخی کودک را معادل صغیر دانسته و بلوغ را معیاری برای تشخیص کودکی می‌دانند و برخی رشد عقلی را مرز میان کودکی و غیر آن دانسته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۴۰۶). برخی سن معینی را به‌عنوان حدفاصل کودکی و بزرگسالی قرار داده‌اند و برخی دیگر قطعیت حصول بزرگسالی را در سنین معین غیرممکن دانسته‌اند.

کودک در فقه با تعبیر «صغیر» به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد، چنانچه به استناد آیاتی همچون ۶۹ سوره غافر و ۵۸ و ۵۹ سوره نور و دیگر آموزه‌های اسلامی از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر تا زمانی که به حد بلوغ برسد، کودک اطلاق می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۱۷۱). در این فرض صغیر از تصرف در اموال خود ممنوع است، هرچند که در کمال تمیز و رشد باشد و تصرفاتش در نهایت سود و صلاح صورت پذیرد (خمینی، ۱۳۷۹: ۵۹۷). برخی از صاحب‌نظران نیز بر این عقیده‌اند که کودکی دو مرحله‌ی پیش از تمیز و تمیز دارد و بعد از آن به او «صبی» گفته می‌شود. قوه‌ی تمیز همان قوه‌ی عاقله است که به انسان اجازه می‌دهد با تشخیص تفاوت میان اعمال مجاز و ممنوع حدود رفتار خود را تشخیص دهد البته به استناد تعریف مزبور برخی دیگر معتقدند که تا زمان محتلم شدن نیز مشمول همان نام‌گذاری واژه‌ی «طفل» است و «طفل» یک لفظ واحد برای مؤنث و مذکر بوده و جمع آن «اطفال» است (فیومی، ۱۴۱۴: ۳۷۴).

بر مبنای حقوق ایران کودک به کسی اطلاق می‌شود که از نظر سن به رشد کامل جسمی و روحی برای شرکت در مسائل اجتماعی و حتی خانوادگی نرسیده باشد، بنابراین اصل بر این است که کودک با رسیدن به سن معین از نظر طبیعی و قوای هوشی تحول پیدا کرده و از نظر روحی و جسمی آمادگی شرکت در زندگی اجتماعی و خانوادگی را پیدا می‌کند که می‌توان از آن توجه به معیار بلوغ را دریافت نمود.

به استناد تبصره‌ی یک ماده‌ی ۱۲۱۰ قانون مدنی و ماده‌ی ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی، سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است؛ اما در مورد بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی در ماده‌ی یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ آمده است: «کلیه‌ی اشخاص که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند». با توجه به مراتب فوق آنچه قانون‌گذار ایران در مقام بیان آن برآمده، حقوقی است که کودک از آن برخوردار خواهد بود، بدون اینکه تعریفی مشخص از کودک به عمل آورده باشد. این عدم جامعیت در ارائه تعریفی از «کودک» در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که در آبان‌ماه ۱۳۹۷ تصویب شده است نیز مشهود است، چنانچه در بند «الف» ماده ۱ این قانون، طفل هر فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده است تعریف شده است. در ماد ۲ این قانون نیز تمامی افرادی که سن آنان به هجده سال تمام نرسیده، مشمول این قانون دانسته شده‌اند.

ماهیت پورنوگرافی مجازی

اصطلاح پورنوگرافی برگرفته از کلمه یونانی «Soanes & Pornographos» متشکل از دو واژه Pomo به معنای روسپی و Graph به معنای نوشتن داستان روسپی‌های یونان باستان بوده است. اکنون این کلمه مفهومی گسترده‌تر یافته و عکس‌ها، پویانمایی‌ها، صدای ضبط شده، فیلم، بازی‌های رایانه‌ای مستهجن را نیز در برمی‌گیرد. این واژه برای نخستین بار در سال میلادی ۱۸۵۸ وارد فرهنگ لغت آکسفورد شد. این فرهنگ لغت پورنوگرافی را هر نوع مطلب چاپی و محصول دیداری و نمایشی باهدف تحریک هیجان جنسی، تعریف نموده است. اعمال مجرمانه در پورنوگرافی عبارت است از اینکه شخصی ابزار سمعی و بصری یا وسایلی را که حاوی این‌گونه تصاویر و عکس‌های هرزه باشد، بفروشد، پخش کند یا چنین وسایلی را در معرض نمایش گذارد یا کودکان و نوجوانان را به شرکت در این نمایش یا پورنوگرافی اغوا یا تشویق نماید (Concise Oxford English Dictionary, 2006).

در ادبیات تقنی نی‌ای ران اصطلاح «پورنوگرافی» به کار نرفته است، اما در چند متن قانونی از جمله «فصل هجدهم قانون مجازات اسلامی»، «قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند» و «قانون جرائم رایانه‌ای» مورد حکم قرار گرفته و با عباراتی چون «منافی عفت عمومی»، «جری‌حه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی»، «مبتذل» یا «مستهجن» به این مفهوم اشاره شده است. در می‌ان این اصطلاحات نی‌ز قانون‌گذار بر تفکیک می‌ان دو واژه «مبتذل» و «مستهجن»، تأکیدی ویژه داشته است؛ آن‌گونه که از می‌ان تمامی این عبارات، تنها می‌ان دو اصطلاح دارای تعریف قانونی هستند. سیر زمانی قانون‌گذاری کیفری در زمینه پورنوگرافی، حاکی از این است که «قانون جرائم رایانه‌ای» مصوب ۱۳۸۸، به اراده واقعی قانون‌گذار نزدیک‌تر است. با توجه به تبصره ۱ و ۴ ماده ۱۴ این قانون، می‌توان جدیدترین تعریف مقنن از پورنوگرافی را تهیه محتویات مستهجن و مبتذل دانست. لازم به ذکر است هرزه‌نگاری بر اساس سن افراد تصویر شده در آن به دو دسته هرزه‌نگاری کودک و بزرگسال تقسیم می‌شود. از دید برخی، این تقسیم‌بندی مهم‌ترین تقسیم‌بندی هرزه‌نگاری محسوب می‌شود، چراکه بیشترین چالش‌ها و اختلاف‌نظرها در عرصه بین‌المللی درباره هرزه‌نگاری در ارتباط با این تقسیم‌بندی مطرح شده است (نیکبختی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۸). هر چند به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی توسط کشورهای دیگر هرزه‌نگاری را به رسمیت شناخته‌اند ایجاد شده و فقط در چنین نظام‌های کیفری

کاربرد دارد، ولی می‌توان این تقسیم‌بندی را برای کشورهایی که هرزه‌نگاری را ممنوع نموده‌اند نیز از جهت اهمیت مراقبت بیشتر از کودکان و وضع مقررات حفاظتی سخت‌گیرانه قابل توجه دانست. در تبیین واژه هرزه‌نگاری کودک از عبارت‌هایی همچون پدوپورنوگرافی، «هرزه‌نگاری کودک‌نما» و «هرزه‌نگاری شبیه‌سازی شده» نیز استفاده شده است (نگهی، ۱۳۹۱: ۱۴۰). به نظر می‌رسد در استعمال واژگان باید نهایت دقت را داشت؛ زیرا اصطلاح «پورنوگرافی کودک» به‌طور ضمنی این احتمال را تلقین می‌کند که رفتارهای انجام‌شده با رضایت کودک بوده و مشروعیت آثار جنسی را نشان می‌دهد (نیکبختی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۸)؛ اما در خصوص «پورنوگرافی کودک»، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، هرزه‌نگاری را به معنای «تهیه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جذابیت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی باشد» تعریف نموده است. همچنین درحالی‌که در ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، از کودک‌آزاری به‌عنوان آزارهایی که بیشتر نمود خارجی دارند، یاد شده بود. در قانون مصوب ۱۳۹۹، اصطلاح سوء رفتار این‌گونه تعریف شده است: «هر گونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب‌وجرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قرار دادن او در شرایط سخت و غیرمعارف یا خودداری از کمک کردن به او». این تعریف آسیب‌های روانی را نیز دربرمی‌گیرد. گروه تخصصی اینترپل در جرائم علیه کودکان نیز تعریف ذیل را ارائه داده است: «پورنوگرافی کودک نتیجه استثمار جنسی یا سوءاستفاده از کودک است و آن را می‌توان هر ابزار ترسیم‌کننده یا تشریح‌کننده استثمار جنسی تعریف کرد؛ از جمله در موارد و مطالب نوشتاری و یا شنیداری که بر ارگان‌ها یا رفتار جنسی کودک تمرکز دارند» (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

با توجه به روش تولید، پورنوگرافی به دودسته «سنٹی» و «مجازی» و با ظهور رایانه امکان تهیه محصولات هرزه‌نگارانه به‌صورت مجازی نیز فراهم شد. به این معنی که به وسیله چندین محتوای ویژه با تکنیک‌های کامپیوتری در قالب مورفینگ^۱، اقدام به تهیه تصاویر پورنوگرافیک می‌شود (نگهی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). پورنوگرافی مجازی کودکان، شکلی منحصر به فرد از کودک‌آزاری است که به دلیل ماهیت مجازی، دور از دسترس

و ناشناس آن، ذیل مباحث «آزار سایبری» مطرح است. چنین آزاری ممکن است چهره به چهره اتفاق نیافتد و الزاماً نیازی به تماس فیزیکی نیز ندارد. با این حال سوءاستفاده آنلاین می‌تواند منجر به عواقب منفی چهره به چهره در قالب تجاوز جنسی اجباری، آزار و اذیت و ... برای کودکان شود (Janis Wolak, 2018: 118). در پیش‌نویس نهایی کنوانسیون جرائم سایبری در خصوص هرزه‌نگاری چنین آمده است: پورنوگرافی کودک شامل موضوعات و مواد پورنوگرافی می‌شود که تصویر و تجسمی دیداری را از کودک تحریک و تشویق شده به رفتار صریح جنسی ارائه می‌کند (کار، ۱۳۸۲: ۶۱). همچنین بند ۲ ماده ۲ پروتکل الحاقی کنوانسیون کودک به‌طور خاص به «پورنوگرافی مجازی کودکان» به عنوان یکی از اقسام پورنوگرافی توجه داشته است. بر اساس این ماده پورنوگرافی کودکان به معنای نمایش از هر طریقی است که در آن کودکان یا به صورت واقعی یا به صورت مجازی مشغول فعالیت‌های بارز جنسی باشند و یا آلت جنسی کودک برای مقاصد جنسی به نمایش گذارده شود. به این ترتیب ممکن است تصاویر منتشر شده از کودکان در وبلاگ‌ها، شبکه‌ها یا سایت‌های مجازی توسط بعضی افراد دانلود شود؛ محتوای نامناسبی به آن اضافه شود و به لینک‌های پورنوگرافی کودکان ارسال شود (غنی‌زاده بافقی و چاجی، ۱۴۰۲: ۲۷۹). از دیگر اشکال پورنوگرافی کودکان در فضای مجازی می‌توان به استفاده از دوربین‌های آنلاین اشاره داشت. در این نوع سوءاستفاده مجرمان با فریب کودکان در شبکه‌های مجازی آن‌ها را وادار می‌کنند تا به صورت زنده با تصاویرشان روند این نوع پدیده از خشونت جنسی را خود تسریع و نسبت به انتشار آن اقدام نمایند (دیویس مارکوم و هیگینز، ۱۳۹۷: ۱۵۱).

البته به عقیده برخی، واژه «پورنوگرافی کودکان» بسیار متناقض است و دیگر نباید استفاده شود. ادواردز استدلال می‌کند که این اصطلاح یک ترکیب متناقض اصطلاحی است نه پورنوگرافی، زیرا بیانگر تجاوز، شکنجه و سوءاستفاده از کودک است (Gillespie, 2011: 7). به نظر می‌رسد اصطلاح تصویر قلمرو پورنوگرافی کودک را به آنچه قابل رؤیت است، محدود می‌سازد و شامل سایر طیف‌ها مانند آثار صوتی و مکتوب نخواهد شد؛ بنابراین می‌توان با اصطلاح «محتویات» یا «آثار» به جای تصاویر این مشکل را مرتفع ساخت. در حال حاضر اصطلاح «سوءاستفاده جنسی کودک» به‌طور گسترده به جای «پورنوگرافی کودک» استفاده می‌شود.

به‌عنوان نمونه پارلمان اروپا در قطعنامه خود در رابطه با سوءاستفاده جنسی آنلاین

کودک در ۱۱ مارس ۲۰۱۵ صریحاً مقرر کرد که استفاده صحیح از اصطلاح‌شناسی صحیح برای جنایت علیه کودک ضروری است. از جمله برای توصیف تصاویر سوءاستفاده جنسی از کودکان و استفاده از واژه مناسب «محتویات سوءاستفاده جنسی از کودک» به جای پورنوگرافی کودک (Greijer, 2016: 150). هرزه‌نگاری که نمایش فعالیت جنسی یا اندام جنسی است، فعالان این صنعت را با توجه به تقاضای طرفداران آن، برای نیل به منظور خود، یعنی تحریک جنسی مخاطب و تولید، عرضه و فروش بیشتر، به سمت کودکان متمایل می‌کند. در واقع در صنعت هرزه‌نگاری حتی افزون‌تر از روسپی‌گری که در آن نیز سن کم برابر با جذابیت و تحریک بیشتر است، نمایان است. به نظر می‌رسد بیشتر متقاضیان بهره‌کشی جنسی از اشخاص، تمایل ویژه به مشاهده تصاویر کودکان داشته باشند.

به نظر می‌رسد هرزه‌نگاری کودک را بتوان «استثمار جنسی هر شخص زیر ۱۸ سال با هر نوع روشی اعم از پدیداری کودک واقعی یا شبه‌کودک در قالب فعالیت جنسی خواه مشترک با دیگری یا به‌تنهایی و یا با استفاده از اندام جنسی وی در هر نوع اثری اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری و با هر هدفی خواه سودجویانه و غیر آن با قصد تحریک جنسی و صرف‌نظر از تأثیر آن در مخاطب» تعریف نمود. منظور از عدم تأثیر آن در مخاطب به اعتبار نوعی قلمداد شدن استفاده ابزاری از کودک است. چراکه در عمده تعاریف هرزه‌نگاری هدف تحریک جنسی عنصر مشترکی است. در حالی که بهترین منافع کودک مستلزم شخصی محسوب نکردن تحریک جنسی مخاطب است. در غیر این صورت باید ملاک تشخیص محتویات هرزه‌نگاری، تأثیر آن در هر مخاطب به صورت جداگانه باشد.

مبانی نظری پژوهش

از نظر روان‌شناسان چرایی تمایل به انحراف اخلاقی و جنسی، صرفاً به پدیده‌های اجتماعی محدود نمی‌شود. علل روانی مانند گرایش به تنوع‌طلبی، کج‌روی جنسی، ضعف هویت اخلاقی، اختلال در هویت، درجه اعتماد به نفس، بی‌مبالاتی جنسی و سن نیز در آن دخالت دارند (Nasir & et al. 2010). در مجموع مخالفت با پورنوگرافی به‌طور کلی از منبع اخلاق سرچشمه می‌گیرد و گاه در کشورهای مختلف شکل قانون به خود می‌گیرد، ولی به جهت ایجاد مفاهیم حساس، در کنار مبانی اخلاقی برخی از نظریه‌ها بازبینی شد.

مبانی اخلاقی

صاحب‌نظرانی چون مارشال مک لوهان با به‌کارگیری واژه «دهکده جهانی» به‌عنوان عصر اطلاعات و انقلاب ارتباطات پرده از این واقعیت برمی‌دارند که اکنون یک فرهنگ خواهان تسلط و حاکمیت بر جهان است و فرهنگ و تمدنی بر جهان حاکم می‌شود که فناوری ارتباطی و اطلاعاتی را در دست داشته و توانایی ایجاد یک فرهنگ جهانی را دارد. در این فرهنگ جهانی قرار است همه نقش داشته باشند اما کسی نقش اصلی و بنیانی را بازی می‌کند که دارای قدرت و فناوری سرمایه است؛ اما در وضعیت فوق، هویت و در معنای اعم اخلاق مفهوم خود را از دست می‌دهد. چراکه این فناوری نه تنها مرزهای علم و صنعت را درنوردیده بلکه به حوزه علوم اخلاقی نیز وارد شده تا جایی که نفوذ آن در پارادایم‌های این حوزه چشم‌انداز جدیدی از ترکیب فناوری با این علوم پدید آورده است. انفجار اطلاعاتی در عصر جدید با همه فوایدی که دارد تهی از این خطر نیست که جوامع و آدمیان را به بحران هویت و اخلاق دچار سازد تا چنان شوند که خود ندانند کیست‌اند و در آن واحد ده‌ها «من» برای خود فرض کنند و برای رهایی از ابهامی به دامن ابهامی دیگر بگریزند (سروش، ۱۳۹۸: ۵۴).

علم اخلاق درباره تأمل و تصمیم‌گیری درباره انجام عمل درست بحث می‌کند. آنچه خودجوش است حاصل عواطف و هیجان است. ممارست در رفتارهای اخلاقی و تهذیب نفس است که سبب پایداری این منش‌های شخصیتی می‌شود نه خودجوش بودن آن‌ها از این‌رو تصور شبیه‌سازی اخلاق در فضای مجازی مانند تصور شبیه‌سازی حسادت و خشم یا شوق و شغف است که تا نمود و عینیتی نداشته باشد، نمی‌توان آن‌را نشان داد یا به دیگران منتقل کرد؛ اما با کمی تأمل با توجه به انعطاف در فضای مجازی به نظر می‌رسد هر کاری امکان‌پذیر باشد، همچنان که پیوسته انسان برای نشان دادن معقول به محسوس متوسل می‌شده است. امروزه نیز امکان شبیه‌سازی منش‌ها و سجایای اخلاقی که کاربر به اختیار خود آن را انتخاب کند دور از ذهن نبوده بلکه بسیار مهم و ضروری است تا بر اساس این آموزه‌های اخلاقی نظام‌مند شده از سویی و بر اساس تعهد اجتماعی و اعتقادات شخصی کاربران از سوی دیگر، محیط مجازی به محیطی نظارت‌مند، اخلاق‌مدار و مصون از انحرافات اخلاقی تبدیل گردد. نباید از نظر دور داشت که محیط‌های مجازی در معرض آسیب‌های ضد اخلاقی قرار دارند و همه جوامع انسانی بر ضد اخلاقی بودن پورنوگرافی اشتراک نظر دارند که می‌توان آن را به دایره ممنوعیت جهانی تعبیر کرد؛ بنابراین هرزه‌نگاری مجازی به نحو

عمیقی با مباحث اخلاق و عفت عمومی جامعه از سویی و اخلاق فناوری ارتباطات مرتبط خواهد بود. اخلاق مشترک، مجموعه قواعدی است که در زمان و مکان معین توسط اکثریت یک اجتماع رعایت آن لازم شمرده می‌شود یا عمل به آن نیکو تلقی می‌شود و مقررات اخلاقی هم بدون ضمانت اجرا نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۸۴) و نیز گفته شده است: «اخلاق عمومی مجموعه قواعدی است که به مقتضای اخلاق بر مردم تحمیل شده است و این‌ها نمی‌توانند به وسیله قراردادهای خود آن را نقض کنند و یکی از هدف‌های حقوق تضمین حداقل‌ها در جامعه است» (شیروی، ۱۴۰۰: ۱۲۵)؛ بنابراین عفت و اخلاق عمومی عبارت است از ارزش‌های اخلاقی و دینی که مورد قبول یک جامعه و توده‌ی مردم قرار گرفته است و این ارزش‌ها معمولاً از تعالیم دینی یا عرف منبعث می‌شوند. با توجه به مراتب یاد شده می‌توان جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی را این‌گونه تعریف کرد، فعل یا ترک فعلی که باعث آسیب و جراحات بر پیکره پاکدامنی و قواعد حسنه مورد قبول اکثریت افراد جامعه معین در زمان معین شود. با این وصف پورنوگرافی به عنوان نمایش تصویری و یا کلامی، رفتارهای جنسی باهدف تحریک و ارضای جنسی دیگران از جمله مهم‌ترین تهدیدات و جرائم علیه اخلاق عمومی جامعه خواهد بود به‌ویژه که رجوع به اینترنت برای دسترسی به محتوای هرزه‌نگارانه به افراد ناهنجار منحصر نبوده و سطح وسیعی از افراد با ویژگی‌های شخصیتی طبیعی را در بر گرفته است.

فضای مجازی از ظرفیت‌های گسترده‌ای برخوردار است که ضرورت وجود قاعده‌های اخلاقی را تقویت می‌کند. فضای مجازی که منجر به هم‌افزایی همه دانش، سرمایه‌های اجتماعی و رفتارها و عملکردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشر امروز و گذشته در این فضا می‌شود، محیط واحد و بدون مرزی را ایجاد می‌کند که فقدان قاعده‌های اخلاقی، می‌تواند موجب هرج و مرج، بحران و تشدید تضادهای اجتماعی شود. به‌عنوان یک اصل کلی باید توجه داشت که الزامات اخلاقی متعلق به کل هستی است و از یک حقیقت جهانی برخوردار است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۸۴).

با توجه به دیدگاه اسلام درباره اخلاق و تعریف آن در سه ضلع انسان، خدا و جامعه، هر کدام از افراد جامعه در حوزه رفتاری خود ملزم خواهند بود که خود را در محضر خدا تصور نمایند به‌گونه‌ای که در هر حال خدا را ناظر و حاضر بر اعمال و رفتار خود ببینند، بنابراین این ادعا که ناشناس بودن می‌تواند فرد را در فضای مجازی از قیدوبند اخلاق رها ساخته به‌نوعی که دست به هر کاری بزند، منتفی خواهد بود؛ بنابراین بر اساس این نگاه

عام‌گرایانه اسلام اصول و قواعد اخلاقی ناظر بر فضای عمومی مجازی جدا از کدهای اخلاقی فضای عمومی در جهان فیزیکی نیست. سه اصل اخلاقی برای فضای مجازی از نگاه عام‌گرایانه اسلام می‌توان ذکر کرد که با تکیه بر این رئوس می‌توان به تدوین قواعد و کدهای اخلاقی پرداخت: ۱. احترام به کرامت انسانی، ۲. خودداری از ضرر به خود و دیگری و ۳. احتیاط هنگام مواجهه با امور مبهم. اصول بیان شده علاوه بر اینکه اوامر الهی به آن تعلق گرفته، یک اصل عقلی است که هر انسانی از حیث عاقل بودن، بر ضرورت آن حکم می‌کند. از این رو این اصول و قواعد، اموری هستند که وجدان جمعی جهانی نیز ضرورت آن‌ها می‌پذیرد (Benshab, 2005: 41-45).

شاید بتوان گفت مهم‌ترین راهکار در جهت تقویت ساختار اخلاقی در جهت پیشگیری از هرزه‌نگاری مجازی، تدوین پیوست فرهنگ اخلاقی در فضای مجازی در تمامی سطوح آن باشد، به‌رغم گسترش اینترنت و به تبعیت از آن گسترش شبکه‌های اجتماعی، متأسفانه شاهد خلاء مشهودی در این حوزه هستیم. با وجود اینکه سیاست فیلترینگ به شکل گسترده برای مقابله با این معضل در نظر گرفته شده است؛ اما به دلیل مالکیت غیرایرانی سایت‌های هرزه‌نگارانه و وجود فیلترشکن‌های قوی و کاربردی، سیاست مذکور از بازدارندگی لازم برخوردار نبوده است؛ بنابراین گسترش و تقویت رفتارهای اخلاقی به‌ویژه در نسل نوجوان می‌تواند راهکار مؤثرتری از فیلترینگ باشد. متأسفانه مصرف محتوای هرزه‌نگارانه در ایران فراتر از هراس اخلاقی است، در همه‌ی کشورها این نوع محتوا استفاده می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که در ایران با توجه به بستر خاص فرهنگی جامعه‌ی اسلامی ایرانی، این مقدار، غیرمتعارف بوده و مسئله اجتماعی جدی است. بنابر دیدگاهی واقعی اگرچه نمی‌توان از این مسئله جلوگیری کرد، دست کم می‌توان به‌وسیله روش‌های فرهنگی تربیتی آن را کنترل کرد (شیروی، ۱۴۰۰: ۱۲۷). همچنین توجه به تربیت جنسی فرزندان، نظارت بر نحوه استفاده فرزندان از فضای مجازی و آگاهی بخشی به آنان از طریق خانواده نسبت به خطرات و آسیب‌های محتوای هرزه‌نگارانه در فضای مجازی از جمله راهکارهای اخلاقی دیگری است که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

نظریه‌کنش ارتباطی هابرماس

حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن افراد به‌منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرده می‌آیند و کنش ارتباطی از طریق بیان، گفت‌وگو و تحقق می‌یابد. در

فضای محیط‌های تعاملی اینترنت بحث شرایط آرمانی سخن مورد نظر هابرماس تحقق می‌یابد؛ و می‌توان آن را به این گونه مطرح کرد: هابرماس معتقد است که نیازهای اساسی یا اصیل معینی وجود دارد که تمامی افراد کاملاً آزاد آن‌ها را دارند و این نیازها توسط هر کس که صمیمانه وارد یک گفت‌وگوی عملی شود ضرورتاً کشف خواهد شد (اسلیون، ۱۳۸۰: ۷۰).

محیط اینترنت فضایی را که شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس را تا حدودی داراست، فراهم کرد و با توجه به نظریه کنش ارتباطی هابرماس، فرد به یک فضای گفت‌وگو وارد شده و فضای صمیمیت، تنها بودن (نبود نظارت) را فراهم می‌کند. سپس به ابراز احساسات خود پرداخته و در انتها نیاز خود را ابراز می‌نماید؛ بنابراین می‌توان این گونه تکمیل کرد که تمایل به رفتارهای غیراخلاقی اعم از خواندن داستان، تماشای فیلم و تصاویر غیراخلاقی از یک سو و پس از آن گفت‌وگوی غیراخلاقی با فردی دیگر و تبادل دیدگاه و در نتیجه تعمیق هر چه بیشتر در این رویه می‌تواند با نبود نظارت و کاهش فیلترینگ تارنماهای موجود تشدید شود.

نظریه یادگیری از طریق اینترنت

همچنین در نظریات مربوط به یادگیری از طریق اینترنت مانند گریسون و اندرسون^۱ و الی^۲ فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ابزارها و شبکه‌های درون آن نظیر شبکه‌های وب، اشکال جدیدی از ابزارهای شناختی هستند که قادرند با گذر زمان از محدودیت‌های زمانی و مکانی از آموزش‌های دانشگاهی تا یادگیری رفتارهای اجتماعی و فردی خاص را در همه جا و هر زمان میسر کند و هوشمندانه تفکر انتقادی، حل مسئله و یادگیری سطح بالاتر را تسهیل و امکان‌پذیر سازند (مسعودی و بهروان، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

نظریه کلی و ولخارت

کلی^۳ و ولخارت^۴ دریافتند افرادی که از انگیزه بالایی برای حفظ عضویت فرد در گروه برخوردارند و بنابراین وابستگی بیشتری برای تأیید دارند، بعید به نظر می‌رسد که ارتباطات و پیام‌هایی را قبول نمایند که نقطه مقابل در هنجارها و ارزش‌های گروه هستند فرد باید موافقت و تأیید را به دست آورد (کوهن، ۱۳۷۸: ۳۴۵). در اینجا می‌توان به پذیرش توسط گروه تعبیر کرد، یعنی اینکه اعضاء هر چه بیشتر مورد تأیید

1. Garrison, D.R. & Anderson, T-2005

2. Ally, M, 2003

3. Kelleyr

4. Volkhart

گروه قرار بگیرند، احتمال تأثیر پیام‌بر گروه بیشتر است. مناظره گروهی نسبت به سخنرانی‌ها از اثربخشی طولانی‌مدت‌تری در تغییر نگرش‌ها برخوردار است. همچنین اگر این مناظره گروهی به‌طور آزادانه برگزار شود، تأثیر بیشتری بر جای می‌گذارد (کوهن، ۱۳۷۸: ۱۲۰). هر چه کاربر اینترنتی احساس کند که در محیط اینترنت بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد احتمالاً باعث خواهد شد که بر ارزش‌های خانواده مؤثر واقع شود و همچنین هرچه کاربران بیشتر وارد بحث و مناظره گروهی شوند، احتمالاً باعث مطرح کردن موضوعات خود با محیط‌های تعاملی اینترنت می‌شوند و کمتر مسائل خود را با خانواده مطرح می‌کنند و این امر باعث کم‌اهمیت شدن ارزش‌های خانواده نزد این افراد می‌شود.

نظریه ارتباط جمعی والد‌ها

والد‌ها از فرار بودن محتوای ارتباطی صحبت می‌کند، عاملی که احتمال تحصیل اثرات را کاهش می‌دهد. به اعتقاد او: «اثرات درازمدت بیش از اثرات کوتاه‌مدت مورد توجه قرار می‌گیرد» (ویندال و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳۰). به گونه‌ای که اگر از یک پیام به‌صورت طولانی‌مدت استفاده شود، تأثیر آن پیام بیشتر است. کلایر علاوه بر تکرار پیام، مدت زمان پیام را نیز در نظر می‌گیرد تا برنامه بتواند بالاترین اثر ممکن را داشته باشد. از این دو نظریه هم می‌توان مدت زمان استفاده از اینترنت را (روزانه، هفتگی، ماهانه) به‌عنوان متغیرهای مستقل جهت تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده بکار برد. چراکه هر کدام از این عوامل باعث کاهش روابط درون خانواده و در نهایت کاهش ارزش‌های خانواده می‌شود. پس در اینجا آنچه نقش مهمی بازی می‌کند، طول مدت دسترسی به اینترنت است. همچنین از این نظریه از میزان استفاده از اینترنت نیز می‌توان استفاده کرد؛ بدین گونه که هر چه از اینترنت بیشتر استفاده شود، این میزان استفاده احتمالاً باعث کم شدن ارتباط با خانواده و منجر به کاهش ارزش‌های خانواده نزد فرد می‌شود. همچنین می‌توان از این نظریات در مورد استفاده از اینترنت به‌طور مرتب و پراکنده استفاده کرد، به این صورت که بین استفاده روزانه، هفتگی و ماهانه از اینترنت و تأثیر آن بر ارزش‌ها، اختلاف معنی‌داری وجود دارد (خوش‌صفا و کفاشی، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

دی‌فلور و بال‌روکیچ در الگوی خویش درباره وابستگی به رسانه‌ها بر این باورند که شرط مهم بروز اثرات، میزان وابستگی به بعضی رسانه‌های ارتباطی است. مجرای که مردم برای به دست آوردن اطلاعات مهم نسبت به آن احساس وابستگی می‌کنند، توان بیشتری برای ایجاد اثرات دارد تا مجرای که تفاوتی با مجاری دیگر ندارد و

اطلاعاتی که فراهم می‌کند، فاقد اهمیت است (ویندال و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۷۰). با کمک این نظریه می‌توان وابستگی به اینترنت را مطرح کرد؛ به این صورت که کاربر اینترنتی با وابسته شدن به اینترنت فرصت کمتری برای پرداختن به خانواده دارد و این ممکن است باعث کم‌اهمیت شدن خانواده نزد کاربر و در نتیجه کاهش ارزش‌های خانواده شود.

یافته‌های پژوهش

جرم‌انگاری پورنوگرافی کودکان در فضای مجازی

منظور از جرم‌انگاری، معیارهایی هستند که دولت‌ها با توسل به آن‌ها، به تحدید آزادی‌های تابعین خود می‌پردازند. در واقع مبانی جرم‌انگاری سنجه‌هایی هستند که دولت با استفاده از آن‌ها اقدام به معرفی رفتارهای مجاز و ممنوع می‌کند. به عبارت دیگر، دخالت در آزادی‌های افراد و استفاده از قدرت و اجبار علیه رفتارهای آزادانه ایشان، نیازمند نوع خاصی از توجیه است که اصول جرم‌انگاری متکفل فراهم آوردن این توجیه ضروری و پاسخ‌گویی به چرایی ممنوعیت‌های موجود در قوانین کیفری در قالب جرم دانستن فعل و یا ترک فعل هستند (برهانی، ۱۳۹۴: ۱۰۸). ممنوعیت هرزه‌نگار کودکان در نظام حقوق بین‌الملل بشری در قالب کنوانسیون‌های مختلف قابل توجه است. به‌عنوان مثال ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ دولت‌های عضو را متعهد نموده است که کلیه اقدامات ملی، دوجانبه و چندجانبه مقتضی را برای پیشگیری از درگیر شدن کودکان در فحشاء و تهیه مطالب مستهجن و هرزه‌نگارانه اتخاذ نمایند (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۰). همچنین پروتکل اختیاری پیمان‌نامه حقوق کودک در خصوص «خرید و فروش فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان» مصوب ۲۰۰۲ را باید به‌عنوان مکمل مهم‌ترین سند بین‌المللی راجع به حقوق کودکان یعنی پیمان‌نامه حقوق کودکان دانست (یونیسف، ۱۳۸۶: ۴). بر اساس ماده ۳ این پروتکل، کشورهای عضو تولید، توزیع، انتشار، ورود، صدور، عرضه و فروش هرزه‌نگاری کودکان را جرم‌انگاری خواهند نمود. خواه این عمل در سطح ملی صورت پذیرد یا بین‌المللی و خواه به‌صورت سازمان‌یافته باشد یا بر مبنای فردی (Ball, 2017: 321). قانون‌گذار ایران، در قوانین مختلف به پورنوگرافی توجه داشته و در هریک از متون قانونی مصادیقی را ذکر کرده است. در ادبیات تقنینی ایران، اصطلاحی به‌نام پورنوگرافی وجود ندارد؛ ولی عدم تصریح به این قید به معنی عدم جرم‌انگاری این

موضوع نیست. چنانچه ذکر عباراتی همچون منافی عفت، جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی، مبتذل و یا مستهجن، بیانگر توجه قانون‌گذار بر این موضوع است. به استناد قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند (مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحیه ۱۳۸۶/۱۰/۱۹) نه تنها این عمل جرم بوده، بلکه امکان مطالبه ضرر و زیان بزه‌دیده از این جرم قابل تصور است. چنانچه بر اساس ماده ۷، زیان‌دیده از جرائم مذکور در این ماد، حق مطالبه ضرر و زیان را دارد. دادگاه با احراز مکره بودن بزه دیده (موضوع صدر ماده ۴)، ضمن صدور حکم کیفری، مرتکب را به پرداخت ارش البکاره، مهرالمثل یا حسب مورد، هر دو محکوم می‌نماید. بزه‌دیده می‌تواند دعوی مطالبه ضرر و زیان و هزینه درمان را در دادگاه کیفری صالح یا دادگاه محل اقامت خود اقامه نماید، در سال ۱۳۷۲ و با جایگزین شدن واژه‌های «مستهجن» و «مبتذل» به جای عبارت «خلاف اخلاق و عفت عمومی»، تولید و تکثیر و توزیع آثار مستهجن جرم و قابل مجازات اعلام گردید و در صورت شناخته شدن اعمال ارتكابی به‌عنوان مصادیق جرم محاربه و فساد فی الارض، مرتکب به مجازات آن جرم محکوم می‌گردد. در تکمیل این قانون، قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ شرط تبلیغ و نتیجه‌گیری مضمون خلاف شریعت را از تعریف حذف و به‌صرف داشتن صحنه و صور قبیحه اکتفا کرد. در این تبصره اصطلاح مستهجن این‌گونه تعریف شده است، محتویات مستهجن به تصویر با صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی یا متنی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش و عمل جنسی انسان است. در حال حاضر دو متن قانونی لازم‌الاجرای فوق دو تعریف غیرهم‌سان از پورنوگرافی ارائه داده‌اند و ضروری است از جدیدترین تعریف قانونی عینی جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ بهره‌گرفت.

علاوه بر ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۲/۲ و مواد ۷۴۲ و ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ و مواد ۲، ۵، ۸ و ۱۰ قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز دارند، ماده ۲۸ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ و مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در خصوص ارکان و عناصر اختصاصی جرم پورنوگرافی متضمن احکامی هستند. همچنین به استناد ماده ۳ قانون مذکور عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیرمجاز، اعم از اینکه مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته یا نه با توجه به محتوای اثر، حسب

مورد علاوه بر ابطال مجوز، به یکی از مجازات مالی مشروحاً در قانون و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند. لازم به ذکر است که تضمینات قانونی و حمایتی این قانون به موارد مذکور محدود نیست و تا تعیین مجازات در قالب حد و تعزیر پیش رفته است، بر اساس ماده ۴ این قانون، هر کس از آثار مستهجن تهیه‌شده از دیگری، سوءاستفاده نموده و با تهدید به افشا و انتشار آن‌ها با وی زنا کند به مجازات زنا به عنف محکوم می‌شود و اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مشمول حد باشد، حد بر او جاری می‌شود و در صورتی که مشمول تعزیر باشد به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.

همچنین جرائم منافی عفت بر اساس تعریف اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۳۶۲۴ مورخ ۱۳۸۴/۶/۶ جرائمی است که ناشی از روابط نامشروع و خارج از علاقه زوجیت زن و مرد و بر حسب عرف و احساسات جامعه قبیح بوده، یا اعمالی است که شرع مقدس ممنوع کرده و منافی عفت یا اخلاق عمومی جامعه است. نباید از نظر دور داشت که دایره شمول قوانین مذکور نسبت به پورنوگرافی مجازات محدود است چراکه هدف مقنن از تصویب قوانین مذکور به اقتضای زمان صدور آن منحصر در پورنوگرافی در فضای فیزیکی بوده است. با این وصف تردیدی وجود ندارد که قانون‌گذار در زمینه‌بروز صورت‌های جدیدی از این ناهنجاری تدبیری نیاندیشیده است و حتی قوانین موجود در این زمینه از انسجام کافی برخوردار نیستند. البته با تصویب قانون جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ تا حد کمی خلاء مذکور جبران شد تا جایی که ماده ۱۴ این قانون را می‌توان شاخصی برای تعیین عنصر قانونی پورنوگرافی رایانه‌ای دانست، حتی بررسی عنصر مادی و روانی نیز بر مبنای این ماده ممکن خواهد بود. گفتنی است. به موازات این خلأ و نقص در قوانین این حوزه نسبت به پیشرفت فناوری، متأسفانه شاهد نبود سیاست افتراقی جدی نسبت به کودکان بزه‌دیده از این جرم هستیم. قانون جرائم رایانه‌ای، پورنوگرافی را به‌طور مطلق آورده است و تفاوتی از لحاظ مجازات میان پورنوگرافی بزرگسالان و کودکان قائل نشده است؛ این در حالی است که پیش‌نویس قانون جرائم رایانه‌ای در مواد ۱۵ و ۱۶، پورنوگرافی کودکان و بزرگسالان را از هم تفکیک کرده بود. متأسفانه در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۱۱، به عنوان منحصرترین قانون برای کودکان و نوجوانان، نه تنها به اقتضای زمان صدور اشاره‌ای به پورنوگرافی در فضای مجازی نشده، بلکه به نوع خاص نیز، به درگیر نمودن کودک در اعمال منافی عفت از قبیل پورنوگرافی و

جرم‌انگاری آن توجهی نشده است. البته لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در بند چ از ماده ۱ با تعریف هرزه‌نگاری کودکان و نوجوانان و در ماده ۱۱، با مشخص نمودن مجازات حبس از نودویک روز تا یک سال یا جزای نقدی از یک تا ده میلیون ریال به این موضوع توجه داشته است.

با وجود الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان مصوب ۱۳۸۶ که مطابق آن دولت‌های عضو متعهد شده‌اند در راستای مبارزه با هرزه‌نگاری کودکان اقدامات مناسب از قبیل جرم‌انگاری و تعیین مجازات متناسب را به کار بندند، متأسفانه زمان تا تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹، عبارت هرزه‌نگاری در هیچ قانونی به کار نرفته بود و سیاست جنایی افتراقی نیز نسبت به این موضوع اتخاذ نشده بود. قانون حمایت در بند «د» ماده ۱ هرزه‌نگاری را عبارت دانسته است از: «تهیه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جذابیت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی باشد». با توجه به این تعریف از هرزه‌نگاری مشخص است، منظور بند پنج ماده ۱۰ قانون حمایت که مقرر می‌دارد: «بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر کردن برای هرزه‌نگاری یا سوءاستفاده جنسی به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ آن است که مرتکب برای ساخت اثر مستهجن و مبتذل از اطفال استفاده کند، یعنی طفل یا نوجوان بازیگر اصلی آن اثر باشند. به‌عنوان مثال از بدن برهنه او عکس گرفته شود یا فیلمی از خودارضایی وی گرفته شود یا از فعالیت جنسی نوجوان عکس یا فیلم تهیه شود. رفتار فیزیکی مرتکب در این بند عرضه کردن، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر کردن طفل یا نوجوان برای کارهای مذکور است. در نتیجه بزهدار هم می‌تواند تهیه‌کننده یا کارگردان اثر تولیدی باشد و هم می‌تواند فردی غیر از آن‌ها باشد. برای مثال، پدری دخترش را مجبور کند تا در اثری مستهجن بازی کند و در ازای آن پول دریافت کند. اگر تهیه‌کننده دختر نوجوانی را اجیر کند تا در فیلم مستهجن وی ایفای نقش کند یا عکاسی به دختری پول بدهد تا به‌صورت برهنه در مقابل دوربین عکاسی او بنشیند، در صورتی که عکاس مرتکب بهره‌کشی جنسی شود، مشمول بند پنج خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر، رفتارهای مذکور در این بند مقید به بهره‌کشی جنسی است که اثر مرتب بر رفتار است و به‌طورقطع سوءنیت خاص مرتکب نیز باید برای عرضه یا اجیر کردن، سوءاستفاده جنسی از کودک باشد. بی‌تردید با قید «بهره‌کشی جنسی» در بند ۵ از ماده ۱۰، قانون‌گذار رفتارهای هرزه‌نگاری را محدود کرده است؛ یعنی با عوامل تولید

عوامل فنی و به‌طور کلی افرادی که در ساخت اثر مستهجنی که طفل موضوع آن است، نقش دارند. نمی‌توان با این بند برخورد کرد و باید آن‌ها را مشمول بند ۱ و ۲ ماده ۳ قانون «نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند» و یا ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای) دانست. حتی در این فرض نیز، مطابق ماده ۳ قانون نحوه مجازات عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری با توجه به محتوای اثر، حسب مورد به یکی از مجازات پیش‌بینی شده محکوم می‌شوند: ۱. عوامل اصلی تولید، توزیع و تکثیر عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول. به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند. چنانچه عوامل فوق‌الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می‌گردند. حتی دقت در بند ۳ این ماده که مقرر داشته: عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن، تبصره ۱. عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری عبارت هستند از تهیه‌کننده (سرمایه‌گذار)، کارگردان، فیلم‌بردار، بازیگران نقش‌های اصلی؛ تبصره ۲. تعداد نوار یا لوح فشرده و مانند آن بیش از «ده نسخه» به‌عنوان «عمده» تلقی می‌گردند و ... بیانگر این نکته است که قانون‌گذار برای عوامل اصلی تولید آثار مستهجن، تنها در صورتی که از مصادیق مفسد فی الارض باشند، قائل به جرم‌انگاری شده که با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات در غیر از حالت مذکور، تولیدکننده اصلی قابل مجازات نیست. تبصره ۶ این ماده تأکیدی بر این امر است. از جمله اشکالات دیگری که نسبت به عدم جامعیت قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در زمینه پورنوگرافی کودکان در فضای مجازی مطرح است می‌توان به بند ۷ ماده ۱۰ این قانون اشاره داشت. بر اساس این بند، استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط منتهی خواهد شد. مجازات مقرر در این بند، خود بر پیچیدگی موضوع افزوده و معلوم نیست که در این مورد باید مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹) اعمال شود و یا مقررات بند ۷ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان.

اشکال دیگر ناشی از تعارض ماده ۳۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب

۱۳۹۹ و ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ است. در خصوص جرائم ارتكابی علیه کودکان، وفق ماده ۳۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، تمام جرائم این قانون جنبه عمومی داشته و بدون شكایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است و در صورت گذشت شاکی خصوصی، تعقیب موقوف نخواهد شد. از سوی دیگر به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تمامی جزایم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه دیده قابل گذشت است. از آنجا که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری هر دو در یک روز تصویب شده‌اند، نمی‌توان یکی را ناسخ دیگری دانست، بر این اساس باید ماده ۱۱ قانون کاهش حبس تعزیری را مخصص ماده ۳۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان دانست و در نتیجه جرم ارتكابی توسط افراد کمتر از هجده سال سن، قابل گذشت است (حیدری، ۱۴۰۲: ۳۷۲).

با توجه به مواد مطرح شده از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، اگرچه این قانون از بُعد سلبی و با جرم‌نگاری‌های مطرح شده سعی در حمایت از کودکان و نوجوانان در قبال جرائم جنسی از قبیل پورنوگرافی داشته است، اما در بازدارندگی و یا اثربخشی این رویه چندان موفق نبوده و در واقع قانون‌گذار هیچ‌گونه سیاست افتراقی حمایتی خاصی در حوزه هرزه‌نگاری اطفال اتخاذ نکرده است. در واقع هیچ‌یک از آثار و تبعات هر کدام از مصادیق تولید، توزیع، تکثیر، نمایش و فروش و نگهداری آثار مستهجن و مبتذل نسبت به بزه‌دیده‌گان ناشی از این جرم، مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که آثار جرائمی از این دست نسبت به کودکان با توجه به مختصات دوران کودکی مضاعف و غیر قابل جبران است. در توضیح برای اهمیت توجه به آثار و تبعات این جرائم آن هم نه به صورت یکسان باید گفت؛ در تولید اثر هر چند با توجه به نوع رابطه جنسی، قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی، مجازات‌هایی را پیش‌بینی نموده است، اما با توجه به فلسفه حاکم بر سیاست افتراقی حمایت از کودکان و تشدید برخورد به منظور پیشگیری از ارتكاب این قبیل رفتارها علیه این گروه سنی، تأثیر ماندگار و دائمی که تولید و یا انتشار محتویات به‌ویژه با توجه به فناوری‌های پیشرفته، بر بزه‌دیده خواهد گذاشت، با سایر موارد متفاوت است. با این وصف شاهد هستیم که رویکرد مقنن در حمایت از حقوق کودکان در قبال وقوع بزه «هرزه‌نگاری» از تضمینات لازم به‌ویژه با در نظر گرفتن سیاست جنایی افتراقی برخوردار نیست. در واقع در بسیاری از عرصه‌ها، ظرفیت‌های فناورانه از حمایت‌های

قانونی در نظر گرفته شده برای صیانت از اخلاق و عفت عمومی سبقت گرفته‌اند و شاید علت این نقص و فقدان قواعد حقوقی کارآمد از آنجاست که ما در مباحث نظری و فنی بسیار جلوتر از ساختار تقنینی، فرهنگی و اداری هستیم که این مسئله موجب بروز تناقضاتی در این حوزه بوده است. به همین جهت به نظر می‌رسد که حمایت موجود از حفظ عفت عمومی در فضای مجازی و ساختارهای قانونی در نظر گرفته شده برای جرم هرزه‌نگاری در فضای مجازی، غیرکارآمد و ناکافی باشد.

نتیجه‌گیری

پورنوگرافی یا هرزه‌نگاری یکی از جرائم مرتبط با محتوا است که در تقسیم‌بندی حقوق موضوعه در زمره جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی قرار می‌گیرد. پورنوگرافی در معنای عام به معنای تصاویر و محتویاتی است که عمدتاً به قصد تحریک جنسی ارائه می‌شود. این موارد در قالب نمایش، ارائه، تولید و تجارت محتویات مستهجن است. با پیدایش اینترنت ضمن خارج شدن جرم پورنوگرافی از حالت کلاسیک ابزار کارآمدی برای سوءاستفاده‌کنندگان جنسی پدید آمد. این فناوری مدرن موجب شده است حجم سوءاستفاده جنسی چند برابر شود و تعداد دریافت‌کنندگان تصویر و نیز حجم تصاویر مبادله شده، به صورت غیرقابل‌تصوری افزایش پیدا کند. در سال‌های اخیر حجم بسیاری از پورنوگرافی در فضای مجازی به پورنوگرافی کودک اختصاص پیدا کرده است و توجه صاحب‌نظران در حوزه آسیب‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری کیفری را به خود اختصاص داده است؛ زیرا کودکان در میان سایر بزه‌دیدگان، موقعیت ویژه‌ای دارند؛ چراکه درصد بزه‌دیده شدن آن‌ها بسیار زیاد و امکان تعقیب مجرمان به مراتب کمتر است. با توجه به این وضعیت، در نظر داشتن رویکرد حمایتی و سیاست‌جنایی افتراقی نسبت به کودکان در قبال جرم «پورنوگرافی مجازی» از اهمیت بالایی برخوردار است.

با وجود لزوم اتخاذ رویکرد مذکور، متأسفانه یکی از خلأهای مشهود در نظام حقوقی ایران، این است که نه تنها قانون‌گذار تعریفی از پورنوگرافی مجازی و مورفینگ ارائه نداده، بلکه مباحثی چون شروع به جرم پورنوگرافی، معاونت در آن و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز در سطح عام مورد توجه قرار نگرفته است. در نتیجه این خلأ در زمینه تعریف «پورنوگرافی مجازی کودکان» نیز شاهد اتخاذ رویکرد صریح از سوی قانون‌گذار نیستیم. اگرچه به نظر می‌رسد با تصویب قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» قانون‌جامعی در خصوص هرزه‌نگاری کودکان مورد توجه قرار گرفته است؛


اما این قانون نیز متأسفانه علی‌رغم حساس بودن شأن و موقعیت کودکی و نوجوانی، نه تنها در این خصوص سکوت نموده بلکه به نظر می‌رسد، مجازات در نظر گرفته شده در ماده ۱۱ لایحه مذکور از بازدارندگی لازم برخوردار نیست. در واقع رویکرد مقنن در جرم‌انگاری «پورنوگرافی کودکان» در قانون جرائم رایانه‌ای یا قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، سخت‌گیرانه نیست و نشانه‌ای از وجود جرم‌انگاری بازدارنده، در نظر داشتن مجازات‌های سنگین و حتی سیاست‌های افتراقی و حمایتی نسبت به کودکان مشهود نیست. این در حالی است که به جهت وضعیت و ویژگی‌های خاص کودکی، ضروری است قانون‌گذار در این خصوص تجدیدنظر کند.

همچنین در سطح کلان برخورد با «پورنوگرافی» توصیه می‌شود تا قانون‌گذار به ابهام‌ها و تعارض‌های قوانین و بحث‌های متعدد در مورد ناسخ و منسوخ بودن این قوانین و تعارضات قلمرو اجرای هریک از آنها خاتمه داده و تمامی موارد و مصادیق هرزه‌نگاری، اعم از هرزه‌نگاری در معنا و مفهوم رایج آن یا هرزه‌نگاری در فضای مجازی را مشمول مواد قانونی مندرج در همان فصل جدی‌د قانون مجازات اسلامی یعنی «هرزه‌نگاری» قرار دهد. حتی اگر قانون‌گذار برای این امر اصرار دارد که برخورد متفاوتی با هرزه‌نگاری‌های خاصی همچون هرزه‌نگاری سمعی و بصری رایانه‌ای و مطبوعاتی داشته باشد، بای در همان فصل قانون مجازات اسلامی به این امور اشاره کرده و برای برخی از آنها مجازات متفاوتی را در نظر گیرد. پیرو ضرورت اتخاذ این رویکرد در سطح کلان جرم‌انگاری این جرم، تغییر نگرش قضایی در رسیدگی به جرائم مرتکبان جرم پورنوگرافی کودکان از طریق تعدیل سازوکارهای جرم‌پوشی ضرورت غیرقابل انکاری است. به‌ویژه که نظام حقوقی قضایی مبتنی بر فقه، نسبت به جرائم منافی عفت نوعی رویکرد احترازی (مواد ۱۲۱، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۳۲ و ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) را لحاظ کرده است. این در حالی است که تکیه بر این رویکرد احترازی در قبال مجرمان در حوزه پورنوگرافی کودکان در فضای مجازی، با رویکرد سیاست کیفری افتراقی نسبت به این قشر آسیب‌پذیر منافات دارد و در این خصوص قاضی باید با «رویکرد احترازی» و منع جرم‌پوشی در برخورد با مجرمان اقدام کند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

Mansoor Fasihramandi  <https://orcid.org/0000-0001-8157-2622>

Roghayeh Mehri  <https://orcid.org/0009-0004-0189-375X>

منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰). *علل الشرائع*، ترجمه و شرح محمدجواد ذهنی تهرانی، جلد ۱، قم: مؤسسه اسلوبین، جیمز (۱۳۸۰). اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوری، تهران: کتابدار.
- بای، حسینی و بابک پورقهرمانی (۱۳۸۸). بررسی فقهی و حقوقی هرزه‌نگاری در فضای مجازی، *حقوق اسلامی*، ۶(۲۳)، ۹۷-۱۲۵.
- برهانی، محسن (۱۳۹۴). جرم‌نگاری حقوق بشری، از اقتضائات صحیح اخلاقی تا خودمختاری، *حقوق بشر*، ۱۰(۱)، ۱۰۵-۱۱۱.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۸). *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
- حیدری، علی‌مراد (۱۴۰۲). نقد سیاست کیفری تقنینی در برابر کودک‌کامی مجازی، *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۷(۱۲۴)، ۳۵۹-۳۸۴. <https://doi.org/10.22106/ijl.2023.1999156.5237>
- خوش‌صفا، مجید و مجید کفاشی (۱۳۹۵). بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارزش خانواده، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۶(۲۳)، ۱۷۴-۲۰۰.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۹۸). *اخلاق خدایان*، تهران: نشر آگاه.
- شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۰). *حقوق تطبیقی*، تهران: انتشارات سمت.
- غنی‌زاده بافقی، مریم، چاچی، فاطمه (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی حمایت از حق تصویر کودک در فضای مجازی، *نشریه علمی پژوهش‌های حقوقی*، ۲۲(۵۶)، ۲۶۳-۲۹۴. <https://doi.org/10.48300/jlr.2022.325738.1929>
- کار، جان (۱۳۸۲). آثار مصر پورنوگرافی کودک، ترجمه محمدحسن دزبانی، *خبرنامه انفورماتیک*، شماره ۸۸.
- کوهن، آلن (۱۳۷۸). تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی، ترجمه علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- مارکوم، کترین دیویس، جورج‌ای، هیگینز (۱۳۹۷). شبکه‌های اجتماعی به مثابه ابزار ارتکاب جرم، ترجمه حمیدرضا دانش‌ناری و ابراهیم داوودی، تهران: میزان.
- مسعودی، حمید و حسین بهروان (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با عضویت، بازدید و ماندگاری کاربران در گروه‌های اینترنتی غیراخلاقی، رسانه و فرهنگ، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۷(۱)، ۱۰۹-۱۳۲.
- موسوی‌الخمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*، قم: دارالعلم.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). *مصباح‌المنیر*، قم: دارالهجره.
- نگهی، مرجان (۱۳۹۱). مقابله با هرزه‌نگاری کودکان: بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی و قوانین کیفری ایران، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۳(۲)، ۱۳۵-۱۵۹.

نیکبختی، جواد، محمدنسل، غلامرضا و بهروز گلپایگانی (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در برابر هزنگاری و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق شهروندی و حقوق بشر، ۱۱۵-۱۳۱.

ویندال، سون، اولسون، جین، سیگنایزر، بنو (۱۳۸۷). کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

Arsenio William F. and Elizabeth A Lemerise (2010). *Emotion Aggression and Morality in Children Bridging Development and Psychopathology* Washington DCI American Psychological Association.

Ball T. *New Zealand's Regulation of Internet Child Pornography*. Doctor of Philosophy in Law. Waikato: Waikato University; 2017. p.321.

Bey, Hossein Ali, and Babak Pourghahremani (2009). *A Jurisprudential and Legal Study of Pornography in Cyberspace*, *Islamic Law*, 6(23), 97-125. **[In Persian]**

Benshab A. pornography in cyberspace, *west travel*, September, 2005; No. 26.

Borhani, Mohsen (2015). *Criminalization of Human Rights, from Moral Correctness to Autonomy*, *Human Rights*, 10(1), 105-111. **[In Persian]**

Carr, John (2003). *Egyptian Works: Child Pornography*, Translated by Mohammad Hassan Dezvani, *Informatics Newsletter*, No. 88. **[In Persian]**

Cohen, Allen (1999). *Changing Attitudes and Social Impact*, Translated by Alireza Kaldi, Tehran, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. **[In Persian]**

Fayoumi, Ahmad bin Muhammad (1993). *Misbah al-Munir*, Qom, Dar al-Hijra. **[In Persian]**

Gillespie AA. (2011). *Child Pornography: Law and Policy*, Waikato: Routledge. p.7.

Greijer S, Doek J. (2016). *Terminology Guidelines for the Protection of Children from Sexual Exploitation and Sexual Abuse*. Bangkok: ECPAT International. p150.

Ghanizadeh Bafghi, Maryam, Chaji, F. (2023), A Comparative Study of the Protection of the Right to Children's Image in Cyberspace, *Journal of Legal Research*, 22(56), 263-294, <https://doi.org/10.48300/jlr.2022.325738.1929>. **[In Persian]**

Heidari, Ali Morad, 2023, A Critique of Legislative Criminal Policy against Virtual Childhood, *Journal of Justice Law Review*, 87(124), 359-384, <https://doi.org/10.22106/jlj.2023.1999156.5237>. **[In Persian]**

Homosexuality and the Additional Protocol to the Convention on the *Rights of the Child*, *Medical Law Quarterly*, Special Issue on Citizenship and Human Rights, 115-131. **[In Persian]**

Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali (2001). *Causes of Shara'i*, vol. 1, translated and commented by Mohammad Javad Zamani Tehrani, Qom, Mu'minin. **[In Persian]**

Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2019). *Terminology of Law*, Tehran, Gane Danesh. **[In Persian]**

Janis Wolak, David Finkelhor, Kimberly J. Mitchell, Michele L. Ybarra (February March (2008). *Online "Predators" and Their Victims* (PDF) (Vol 63 ed). American Psychological Association. pp. 111-128. Retrieved March 2018.

- Khoshsafa, Majid and Majid Kafashi (2016). A Study of the Relationship between Virtual Social Networks and Family Value, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*, 6(23), 174-2000. **[In Persian]**
- Marcom, Katherine Davis, Georgie, Higgins, 2018, *Social Networks as a Tool for Committing Crimes*, Translated by Hamir Reza Danesh-Nari and Ebrahim Davoodi, Tehran, Mizan. **[In Persian]**
- Masoudi, Hamid & Hossein Behrvan (2017). Sociological Explanation of Factors Related to Membership, Visit, and Retention of Users in Unethical Internet Groups, Media and Culture, *Research Institute for Humanities and Cultural Studies*, 7(1), 109-132. **[In Persian]**
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (2000). *Tahrir al-Wasila*, Qom, Dar al-'Ilm. **[In Persian]**
- Neghi, Marjan (2012). Combating Child Pornography: A Comparative Study of International Documents and Iranian Criminal Law, *Journal of Criminal Law Research*, 3(2), 135-159. **[In Persian]**
- Nasir, R. Zamani, Z. A. Ismail, R. Yusooff, F& Khairuddin, R. (2010). *Self-esteem and cognitive distortion among women involved in prostitution in Malaysia*. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5, 1939-1944.
- Nikbakhti, Javad, Mohammad Nasl, Gholamreza, and Behrouz Golpayegani (2020), A Com
- Slevin, James (2001). *The Internet and Society*, Translated by Abbas Gilouri, Tehran, Librarian. **[In Persian]**
- Soroush, Abdolkarim (2019). *The Ethics of the Gods*, Tehran, Agah Publishing. **[In Persian]**
- Shiravi, Abdolhossein (2021). *Comparative Law*, Tehran, Samt Publications. **[In Persian]**
- Wendal, Sohn, Olson, Jane, Signizer, Benno (2008). *Application of Communication Theories*, Translated by Alireza Dehghan, Tehran, Sociologists Publications. **[In Persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی